رسالت
سال سی‌وهشتم ■ شماره ۱۰۷۴۶ ■ روزنامه صبح ایران

معلولین و تکالیف بر زمین مانده

گروه اجتماعی

چند روزی از ۱۲ آذرماه روز جهانی معلولان گذشته است و همچنان در گوشه و کنار شهرها ده‌ها مراسم سخنرانی و گردهمایی برپاست و صدای مسئولان رستا‌ر از همیشه در حمایت از معلولان به گوش می‌رسد. اما واقعیت این است که به علت انباشت قانون حمایت از حقوق معلولان پشت سدهای عظیم، نبود بودجه و دیگر الزامات اجرایی، حق و حقوق آن‌ها به‌عنوان آسیب‌پذیرترین افراد جامعه مورد نقض و غفلت واقع شده است.

سازمان جهانی کار می‌گوید: «اگر معلولی شغل داشته باشد، دیگر معلول نیست. آخرین مرحله توانبخشی برای افراد دارای معلولیت اشتغال است، توان‌یاب اگر در حرفه‌ای مشغول به کار باشد، می‌تواند تشکیل خانواده دهد و همانند افراد دیگر در جامعه به زیست خود به‌عنوان یک شهروند ادامه دهد.» درحالی که نزدیک به ۶۰ درصد معلولان کشور بیکارند و به گروهی فراموش‌شده و به‌حاشیه‌رانده تبدیل شده‌اند و دولت به دلیل هزاران مشکل مالی، حل‌وفصل خواسته‌ها و مشکلات آن‌ها را در اولویت قرار نمی‌دهد.

سیاست‌های رفاهی مختص به معلولان هم دچار نقصان است و در این شرایط نگهداری، خدمات‌رسانی و حمایت از معلولان عمدتا بر عهده خانواده‌هاست. خانواده‌هایی که تمکن مالی نداشته باشند طبیعی است توانند خدماتی به فرزندان معلول خود ارائه کنند.

مسئله‌ای که سهیل معینی، مدیرعامل شبکه ملی نابینایان و کم‌بینایان چاوش در گفت‌وگو با «رسالت» به آن اشاره کرده است. در ادامه مشروح این مصاحبه را می‌خوانید.

افراد دارای معلولیت در سال‌های اخیر به لحاظ رفاهی به شدت در مضیقه هستند، چرا به این گروه و نیازهایشان کمتر توجه می‌شود؟

واقعیت این است که سطح رفاه عمومی در حال کاهش است و این وضعیت تنها مختص معلولان نیست. در چنین شرایطی نیازاقلیت‌های اجتماعی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. در جوامعی که افراد دغدغه معاش ندارند و شاغلان، می‌توانند با حقوق دریافتی خود به راحتی زندگی کنند، و افراد فاقد شغل هم، مورد حمایت سازمان‌های رفاه اجتماعی قرار دارند، این فرصت وجود دارد که به نیاز گروه‌های در اقلیت توجه شود. اما در جامعه ما این گونه نیست. به عبارت بهتر، یک زمانی مردم برای خرید خانه پس‌انداز کرده و وام می‌گرفتند و بعد به دنبال تهیه وام و تسهیلات برای خرید اتومبیل بودند و حالا به تدریج به نقطه‌ای رسیده‌اند که برای هزینه درمان هم وام می‌گیرند. در شرایط حال حاضر برای درست کردن دندان باید حدود ۸۰ میلیون تومان هزینه کرد، و تأمین این بودجه مستلزم تهیه وام است. یک زمانی خانواده‌ها در سبد غذایی خود به دنبال تهیه ماهی به‌عنوان پروتئین با کیفیت بودند، ولی الان به دنبال تأمین گوجه فرنگی و سیب‌زمینی و نان هستند. لذا وقتی سطح رفاه جامعه پایین می‌آید، تکلیف افرادی که مشکلات بیشتری دارند روشن است. این افراد دو نوع مسئله دارند، یکی توقعات و نیازهایی است که عموم مردم دارند و ربطی هم به معلولیت ندارد، همانند معیشت، مسکن، شغل و کسب درآمد، با این تفاوت که خانه معلولان حرکتی، باید مناسب‌سازی و دسترس‌پذیر باشد، یا خودروی آن‌ها دارای دنده اتوماتیک و سیستم کمک‌راننده باشد، اما معلولان به وسایل و خدمات توانبخشی هم نیاز دارند، حال اینکه بسیاری از آن‌ها بیکارند. در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته هم نرخ بیکاری در میان جامعه معلولان بالاست و فقط شامل کشور ما نمی‌شود، ولی دولت‌ها در کشورهای توسعه‌یافته حق معیشت را به نحوی پرداخت می‌کنند که این افراد نیازمندی نداشته باشند و نیازشان به شغل، صرفا به خاطر داشتن عزت‌نفس، زندگی مستقل و آن حق برابر مشارکت در جامعه است. بنابراین چنانچه فاقد شغل باشند، معیشتشان آسیب نمی‌بیند. در کشور ما افراد معلولی که بیکارند، از دولت مستمری دریافت می‌کنند که به هیچ‌عنوان پاسخگوی هزینه زندگی آن‌ها نیست. روز گذشته معاون توانبخشی سازمان بهزیستی مصاحبه کرده و گفته است، ما مبلغ کمک هزینه اقلام بهداشتی را از ۳۰۰ هزار تومان به ۶۰۰ هزار تومان افزایش داده‌ایم و افراد پشت نوبتی برای دریافت این اقلام به صفر رسیده است، درصورتی که یک بسته پوشینه بزرگسال حدود ۳۰۰ هزار تومان است و هر فرد در ماه به چندین بسته پوشینه و یا پانسمان و چسب ویژه زخم بستر، مواد شوینده و سوند هم نیاز دارند که سوندها باید یکبار مصرف و استاندارد باشند، همه این‌ها نشان می‌دهد، اگر به فرد معلول برای کمک هزینه اقلام بهداشتی به‌طور متوسط ماهانه دو میلیون تومان پرداز‌ند، شاید بتوانند برخی از وسایل مورد نیازش را تهیه کند. در چنین وضعیتی پرداخت ۶۰۰ هزار تومان شوخی است و همانطور که اشاره کردم به علت افزایش نرخ تورم و مشکلاتی که جامعه از این نظر دارد، عموم مردم یعنی افرادی که درآمدهای نسبتا ثابت دارند، اعم از حقوق‌بگیران دولت و مشاغل آزاد به شدت تحت فشارند، شرایط معلولان هم به طور قطع از دیگران بدتر است و با مشکلات جدی‌تری دست به گریبان‌اند.

قانون حمایت از حقوق معلولان چقدر توانسته در این سال‌ها به معلولان ما کمک کند؟

یکی از فعال‌ترین آدم‌هایی که در تصویب آن نقش داشت، خودم بودم، و حدود ۸ سال برروی این قانون اقدامات جامعی انجام دادم و می‌توانم بگویم این قانون دستاوردی در میان بسیاری از کشورهای دنیاست. قطعا اشکالات و کمبودهایی دارد ولی به طور نسبی بسیاری از نیازهای افراد معلول را پوشش داده است. حتی به نسبت قوانین دیگر یک گام روبه جلوست و درخود قانون، کمیته عالی نظارتی برای آن پیش‌بینی شده که در رأس آن معاون اول رئیس جمهور است یعنی شخصی که پس از رئیس جمهور، قدرتمندترین فرد قوه مجریه است و می‌تواند از تمامی وزرا و مدیران پاسخ بخواهد. اما مشکل بر سر این است که کمیته آن کارآیی لازم را ندارد و تعداد جلساتش محدود و پراکنده است و خروجی آن تاکنون مورد انتظار نبوده است. دومین مشکل کمیته این است که یک دبیرخانه فعال و قدرتمند در سطح خودش ندارد، دبیرخانه‌ای در سازمان بهزیستی تشکیل شده است و باید سطح آن ارتقاء یافته و در ذیل وزارت تعاون قرار بگیرد و در این تشکیلات قدرتمند از تمام دستگاه‌های اجرایی گزارش عملکرد بخواهند.

یکی دیگر از مواردی که در قانون پیش‌بینی شده این است که تمام دستگاه‌های مکلف به اجرای قانون باید هر سال گزارش عملکرد خود را از طریق کمیته نظارت بر قانون و شورای عالی رفاه به دولت و مجلس ارائه دهند. از سال ۹۶ که این قانون تصویب و سال ۹۷ که ابلاغ شده، تاکنون یک بار هم گزارش ملی عملکرد به دولت و مجلس داده نشده و این خواست عمده ما از مجلس است، چون تقریبا از دولت قطع امید کرده‌ایم. این گزارش نشان می‌دهد چه دستگاه‌هایی انحراف معیار و ترک فعل، و یا تخطی و کوتاهی داشته‌اند.

سوای این موارد باید به این نکته هم گریزد که بودجه و منابع مالی این قانون تخصیص نمی‌یابد و قانونی که بودجه نداشته باشد، قاعدتا بترمی‌ماند و همین وضعیت در حال حاضر پیش آمده است. به عنوان مثال در ماده ۲۷ این قانون تأکید شده که افراد معلول شدید و خیلی شدید فاقد شغل و درآمد باید معادل کف قانون کار مستمری دریافت کنند و دولت هرسال به بهانه نداشتن بودجه از این ماده قانونی طفره می‌رود، اما به نظرم توجیه خوبی نیست، برای اینکه منابع بودجه‌ای کشور با تمام مشکلاتی که دارد، آنقدر محدود نیست، که از اجرای این ماده شانه خالی کنند. چنانچه دولت مجموع منابع مالی خودش را تجمیع کرده و از بخش‌ها و شرکت‌های سودآور مالیات بگیرد، وعدالت را در تخصیص منابع رعایت کند، حتما می‌تواند ماده ۲۷ را اجرا کند. دولت بعضا به افراد سوپر میلیاردی که درآمدهای آنچنانی دارند، یارانه‌های مختلف می‌دهد. از یارانه سوخت بگیرید تا آب و برق و گاز درحالی که در هیچ یک از کشورهای دنیا یارانه را بین اکثریت جمعیت توزیع نمی‌کنند، بلکه به آن‌هایی یارانه می‌دهند که سطح زندگی‌شان پایین‌تر از حد قابل قبول است. اگر در سیاست‌گذاری‌ها این موضوع مورد توجه باشد، می‌توان منابع مالی قانون حقوق معلولان را فراهم و نیازهای افراد دارای معلولیت را برآورده کرد.

البته بخش‌هایی از قانون اجرایی شده است. به‌عنوان نمونه سهمیه ۳ درصدی استخدام در دستگاه‌های دولتی تا حدودی اعمال‌شده است، منتها در اجرا مشکلات فنی وجود دارد که باید حل شود. بر اساس ماده ۹ این قانون، سازمان بهزیستی موظف به پرداخت شهریه دانشجویان معلول شهریه‌پرداز است که به نسبت تحقق یافته، البته نقصان‌هایی وجود دارد. با این حال باید بررسی کرد که ما در اجرای قانون چه وضعیتی داریم.

آیا برآورد کرده‌اید که چند درصد قانون حمایت از حقوق معلولان اجرایی شده است؟

با این سؤال مخالفم، به این دلیل که معتقدم نمی‌توان برای قانون درصد تعیین کرد. ما در این قانون حدود ۱۰۰ حکم برای دستگاه‌های اجرایی مختلف داریم. درنتیجه باید هر حکم را ردیابی کرد تا ببینیم چقدر اجرایی شده و نمی‌توان درصدی را اعلام کرد. البته دیده‌ام برخی از کارشناسان فی‌البداهه گفته‌اند که ۲۰ تا ۳۰ درصد این قانون اجرایی شده، به شخصه قائل به این درصدها نیستم. برای اینکه قانون خیلی وسیع است و مجموعه‌ای از احکام رفاهی، آموزشی، اشتغال، دسترس‌پذیری و مباحث فرهنگی- ترویجی را شامل می‌شود و به راحتی نمی‌توان درصد گرفت. برای همین باید شاخص‌های توصیفی‌تری را مدنظر داشت، به‌عنوان مثال معدل اجرای این قانون چقدر بوده و به طور متوسط چقدر اجرا شده و در کدام احکام وضعیت مطلوبی داریم و در کدام یک وضعیت قابل قبولی داریم، در کدام احکام وضعیتمان قابل قبول نیست و کدام یک اصلا اجرایی نشده است. ما باید با چنین شاخص‌هایی قانون را ارزیابی کنیم ولی درمجموع به علت تورم شدید در جامعه و سبقت‌گیری هزینه‌ها بر درآمدها، وضعیت احکام حمایتی ما رو به نقصان است. اگرچه مطابق اظهارات معاون توانبخشی سازمان بهزیستی، کمک هزینه اقلام بهداشتی از ۳۰۰ هزار تومان به ۶۰۰ هزار تومان رسیده، که به معنای صددرصد افزایش است. ولی همان زمانی هم که این مبلغ ۳۰۰ هزار تومان بوده، از تورم روز خیلی عقب بوده است و امسال که ۶۰۰ هزار تومان شده و صد درصد افزایش پیدا کرده، بازهم از سطح تورم عقب‌تر است. درنتیجه آنچه اهمیت دارد خروجی است. اینکه به شما ۵ میلیون یا ۱۰ میلیون تومان حقوق بدهند مهم نیست، چراکه دو سال پیش با گرفتن ۵ میلیون تومان به نسبت حالا که ۱۰ میلیون تومان حقوق می‌گیرید زندگی بهتری داشته‌اید. لذا با نرخ مطلق رشد کاری نداریم، ما باقدرت خرید کار داریم. هرچند بودجه رفاهی معلولان سالانه ۲۰ تا ۲۵ درصد افزایش می‌یابد و حتی بعضی مواقع گفته می‌شود، بودجه بهزیستی ۳۰ درصد و بودجه ما بقی دستگاه‌ها ۲۰ درصد افزایش یافته که درست هم می‌گویند اما واقعیت این است که ۳۰ درصد همین حالا هم به نسبت تورم پایین‌تر است. نرخ تورم رسمی ما ۴۵ درصد است و چنانچه سالانه بودجه‌های رفاهی را ۴۵ درصد افزایش دهیم، تازه سر به سر می‌شود. این را هم فراموش نکنیم که این نرخ تورم رسمی است. تورم واقعی قطعا شاخص‌هایی دارد که از این رقم بیشتر خواهد بود. درنتیجه ما از نظر سطح رفاه و خدمات اجتماعی رو به نقصانیم. علیرغم اینکه ممکن است در برخی شاخص‌های کمی رو به رشد باشیم.

یکی از مباحث عمده‌ای که همیشه از سوی شما مورد انتقاد واقع شده، این است که سازمان بهزیستی به عنوان تنها متولی معلولین دارای ضعف‌های ساختاری مدیریتی و اجرایی حاد است، برچه اساسی این نقد را مطرح کرده‌اید؟

ببینید سازمان بهزیستی به هیچ‌وجه به لحاظ جایگاه و امکانات و نوع خدمات‌دهی قادر نیست که افراد دارای معلولیت را در بخش خدمات اجتماعی پوشش دهد، جایگاه سازمان بهزیستی باید در حد یک وزارتخانه تخصصی ارتقاء پیدا کند، نه اینکه ذیل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی قرار بگیرد، چون عمده مسئولیت این وزارتخانه اقتصادی است و نه رفاهی- اجتماعی. بنابراین یکی از بزرگ‌ترین اشتباهاتی که صورت گرفته، ادغام وزارت رفاه در وزارت کار و تعاون است و سازمان بهزیستی آن جایگاه و امکانات لازم را برای مدیریت در این بخش ندارد. مسئله بعدی هم این است که، خبری از سیاست‌گذاری کلان نیست و هیچ‌گاه برنامه‌ای پنج ساله تدوین نشده تا مبتنی بر آن مشخص باشد در این مدت قرار است چه میزان خدمات به افراد معلول ارائه و چه درصدی از آن‌ها با ایجاد اشتغال از پوشش مستمری خارج و چه ضریبی در مناسب‌سازی کشور محقق خواهد شد. این موارد، تابع یک برنامه و سیاست‌گذاری مشخص است و چون دچار روزمرگی هستیم؛ شاخص‌های رفاه- اجتماعی ما در حوزه ارائه خدمات به معلولان رشد نکرده است.

موضوع دیگری که در حوزه معلولیت حائز اهمیت بوده محرومیت تحصیلی است. برمبنای آمارهایی که در برخی رسانه‌ها منتشر شده، ۳۰ هزار معلول، محروم از تحصیل هستند، بیش از ۴۷ درصد کودکان معلول بی‌سوادند و تنها ۱۱ هزار معلول دارای تحصیلات عالی‌اند، این آمارها را واقعی می‌دانید؟

اجازه دهید روی برخی از این ارقام مکث و تأملی داشته باشم. اینکه ما ۱۱ هزار معلول فارغ‌التحصیل داریم، به نظرم رقم غلطی است و آمار فارغ‌التحصیلان مابسیار از این عدد و یا اعداد مشابه است. در مورد میزان کودکان محروم و بی‌سواد هم که ۴۷ درصد اعلام شده باز هم رقم درستی نیست. این اعداد و ارقام باید در سطح جامعه نمود داشته باشد. با تمام ضعف‌هایی که داریم، در سال‌های گذشته برنامه‌ریزی‌هایی برای تحصیل کودکان معلول صورت پذیرفته است. البته ما گروه‌هایی داریم که از تحصیل بازمانده‌اند و به شدت فشار می‌آوریم که دیده شوند، چون متأسفانه در برنامه‌ریزی‌های عمومی به آن‌ها توجهی نشده است. ولی تردیدی نیست که در برنامه‌ریزی آموزشی مشکلاتی داریم. خیلی از دانش‌آموزان معلول را به مدارس عادی سوق می‌دهند، و ما از این گرایش فراگیر استقبال می‌کنیم. این گرایش، به عقبه و پشتیبانی‌هایی نیاز دارد که انجام نشده یا به خوبی انجام نمی‌شود. آیا مدارس عادی ما دسترس‌پذیرند و یا معلمان و کادر آموزشی دوره و آموزش خاصی دیده‌اند؟ ما در دنیا این الگوها را داریم ولی مشروط به فراهم‌سازی امکانات است.

به هرترتیب درصدهای اعلامی را اغراق‌آمیز می‌دانم و فکر می‌کنم وضعیت به این وخامت نیست، با این حال همچنان تأکید می‌کنم که گروهی از تحصیل بازمانده‌اند و باید به آن‌ها توجه کرد. وضعیت درسی آن‌هایی هم که تحصیل می‌کنند چنگی به دل نمی‌زند و باتوجه به نتایج آمارها و شاخص‌ها؛ شاهد افت کیفیت تحصیلی در میان دانش‌آموزان استثنایی هستیم، خیلی از این دانش‌آموزان به مدارس عادی می‌روند و فقط به آن‌ها نمره می‌دهند. این موارد باید در بوته نقد و بررسی قرار بگیرد و ببینیم علت چیست، اما اینکه بگوییم ۴۷ درصد کودکان معلول بی‌سوادند، بزرگ‌نمایی است، چراکه این اعداد و ارقام باید به عینه رصد شوند. اگر این تعداد کودک معلول به مدرسه نمی‌روند، کجا هستند؟ طبیعتا باید درجایی ثبت شده باشند.

سوای بازماندگی تحصیلی و اعداد و ارقامی که در این حوزه ارائه می‌شود، آنچه معلولان بسیار بر آن تأکید دارند، ایجاد شغل است، چقدر این مسئله محقق شده و آیا اساسا شغل پایداری ایجاد شده است؟

این را از مسئولین بپرسید! سال پیش سازمان بهزیستی اعلام کرد که در حوزه ایجاد اشتغال در جشنواره شهید رجایی، توانسته نمره برتر کشور را کسب کند. نمی‌خواهم بگویم که کسب این رتبه درست یا غلط است، ولی تردیدهایی در این مورد وجود دارد و باید به صورت ملموس مشخص باشد چه تعداد شغل و چه مشاغلی برای چه گروهی از افراد دارای معلولیت ایجاد شده است. تا جایی که می‌دانم، عموما پرداخت وام خوداشتغالی به معنای ایجاد شغل تلقی می‌شود، درحالی که این طور نیست و ایجاد شغل در جامعه ما خیلی پیچیده است، حتی یک فرد غیرمعلول هم صرفا با انگیزه‌ها نمی‌تواند کسب و کاری راه بیندازد، چه رسد به یک فرد معلول. درنتیجه برای ایجاد اشتغال با مشکلات و موانع بزرگی مواجهیم. عده زیادی از معلولان در دانشگاه تحصیل کرده‌اند و این میل به اشتغال در گروه‌های تحصیل کرده بیشتر است، ولی متناسب با این تمایل، برنامه‌ای برای ایجاد شغل نداریم، واقعیت این است که گام‌های بلندی در این بخش برداشته نشده و صرفا چند این حکم وجود دارد، مثل پرداخت سهم بیمه کارفرمایی یا حق جبران کارآیی که بسیار محدود است. خیلی از سیاست‌های حمایتی هم مستلزم حضور و تشویق بخش خصوصی است اما اقدامی صورت نگرفته و مسئله، فقدان برنامه است. واقعا نمی‌توانیم بگوییم که وضعیت اشتغال معلولان به چه صورت است. اگر اعلام کنند که امسال به فرض مثال برای ۳۰۰ هزار نفر معلول شغل ایجاد شده، باید عددی نزدیک به همین رقم از کسانی که مستمری می‌گیرند کم شده باشد. آیا این دو آمار همدیگر را به این شکل معنامی کنند؟ مسئولان باید خیلی شفاف توضیحاتی ارائه کرده و بگویند چقدر شغل واساسا شغل پایدار ایجاد کرده‌اند.

آگهی تحدید حدود اختصاصی ثبت شوش

به موجب ماده ۱۴ قانون ثبت تحدید حدود قسمتی از املاک واقع در بخش ۴ شوش به شرح ذیل آگهی می گردد:

-آقای حسن کرد فرزند اسمعیل در شششدانگ یک باب ساختمان بمساحت۲۵۴/۰۱ مترمربع قسمتی از پلاک ۴۲ اصلی واقع در بخش ۴ شوش خیابان عباسپور

۱-آقای محسن نوری فرزند اسفندیار در شششدانگ یکباب ساختمان بمساحت ۱۹۴/۲۶ مترمربع قسمتی ازپلاک ۴۲ اصلی واقع در بخش ۴ شوش خیابان شهید دستغیب

۳۸-خانم سارا کاوندی فرزند علی در شششدانگ یکباب ساختمان بمساحت ۱۳۸/۱۶ مترمربع قسمتی ازپلاک ۴۹/۲۷۷ واقع در بخش ۴ شوش خیابان شهید هاشمی نژاد

۳۹-خانم نسیم پورمند فرزند داور در شششدانگ یکباب ساختمان بمساحت ۱۴۷/۱۴ مترمربع قسمتی ازپلاک ۴۹/۲۷۷ واقع در بخش ۴ شوش خیابان مطهری پلاک شهرداری ۲۲

۴۰-آقای احمد اقری فرزند عبدالسید در شششدانگ یکباب ساختمان بمساحت ۱۶۸ مترمربع قسمتی ازپلاک ۴۹/۲۷۷ واقع در بخش ۴ شوش کوی اندیشه خیابان ارمغان ۴

تحدید حدود روز یکشنبه ۱۴۰۲/۱۰/۱۰

۴۱-خانم هما گوند فرزند مراد علی در شششدانگ یکباب ساختمان بمساحت ۲۰۲ مترمربع قسمتی ازپلاک ۴۹/۲۷۷ واقع در بخش ۴ شوش خیابان آفرینش ۵

۴۲-آقای یاس حاتمی معین فرزند خضر در شششدانگ یکباب ساختمان بمساحت ۳۰۱/۱۸ متر مربع قسمتی ازپلاک ۴۹/۲۷۷ واقع در بخش ۴ شوش خیابان مطهری

۴۳-خانم خاتون ترکیان دمنه فرزند یاور در شششدانگ یکباب ساختمان بمساحت ۱۲۰ مترمربع قسمتی ازپلاک ۴۹/۲۷۷ واقع در بخش ۴ شوش کوچه نسترن بین کوچه اسفند و خیابان باهنر

۴۴-آقای رحیم سلیم فرزند عبید در شششدانگ یکباب ساختمان بمساحت ۱۸۵/۴۵ مترمربع قسمتی ازپلاک ۴۹/۲۸۶ واقع در بخش ۴ شوش کوی وهب خیابان امام علی (ع) نبش فتح۱

۴۵-آقای رحیم سلیم فرزند عبید در شششدانگ یکباب ساختمان بمساحت ۱۵/۳۴۲ مترمربع قسمتی ازپلاک ۴۹/۲۸۶ واقع در بخش ۴ شوش کوی وهب خیابان امام علی (ع) نبش فتح۱

۴۶-آقای رحیم سلیم فرزند عبید در شششدانگ یکباب ساختمان بمساحت ۱۶/۳۰ مترمربع قسمتی ازپلاک ۴۹/۲۸۶ واقع در بخش ۴ شوش کوی وهب خیابان امام علی (ع) نبش فتح۱

۴۷-آقای مسلم شریفی فرزند صادق در شششدانگ یکباب ساختمان بمساحت ۸۹/۹۹ متر مربع قسمتی ازپلاک ۴۹/۲۸۶ واقع در بخش ۴ شوش خیابان فتح المبین

۴۸-آقای رحیم سلیم فرزند عبید در شششدانگ یکباب ساختمان بمساحت ۱۵/۷۲ مترمربع قسمتی ازپلاک ۴۹/۲۸۶ واقع در بخش ۴ شوش کوی وهب خیابان امام علی (ع) نبش فتح۱

۴۹-آقای رحیم سلیم فرزند عبید در شششدانگ یکباب ساختمان بمساحت ۱۷/۴۳ مترمربع قسمتی ازپلاک ۴۹/۲۸۶ واقع در بخش ۴ شوش کوی وهب خیابان امام علی (ع) نبش فتح۱

۵۰-آقای علی عبدالخانی فرزند جابر در شششدانگ یکباب ساختمان بمساحت ۱۳۲/۶۶ مترمربع قسمتی ازپلاک ۴۹/۲۸۶ واقع در بخش ۴ شوش منطقه شهید فکوری خیابان صوفی

تحدید حدود روز دوشنبه ۱۴۰۲/۱۰/۱۱

۵۱-آقای ساده عمارنه فرزند صبیر در شششدانگ یکباب ساختمان بمساحت ۱۰۷/۵ مترمربع قسمتی ازپلاک ۴۹/۲۸۶ واقع در بخش ۴ شوش خیابان بلال نبش خیابان هویزه

۵۲-آقای حمید سالاروند پور فرزند یوسر در شششدانگ یکباب ساختمان بمساحت ۲۰۰/۶۶ مترمربع قسمتی ازپلاک ۴۹/۲۸۶ واقع در بخش ۴ شوش احمد اباد کوچه منشعبه از خیابان ساحلی جنوبی.

۵۳-آقای ماجد سرخه فرزند کریدی در شششدانگ یکباب ساختمان بمساحت ۱۶/۰۱ مترمربع قسمتی ازپلاک ۴۹/۲۸۶ واقع در بخش ۴ شوش منطقه شهید فکوری خیابان ایلام

۵۴-آقای عبدالحسن دامور فرزند طعیمه در شششدانگ یکباب خانه بمساحت ۱۶۱/۰۱

آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۰۴۰۱۰۰۲۵ مورخ ۱۴۰۲/۸/۱۰ موضوع کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۰۰۴۰۰۰۰۶۹ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گنبدکاووس تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم قربانسلطان قوچق فرزند بیرام در شششدانگ یک قطعه زمین احداثی بناشده به مساحت ۹۰ مترمربع جداشده از پلاک ۴۷۹۹ فرعی از ۱ اصلی واقع در گنبدکاووس انتهای خیابان رسالت بخش ۱۰ حوزه ثبت ملک گنبد انتقال ملک مرا الواسطه از ارازقلی ارمغی لذا به منظور اطلاع عموم این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در دو روزنامه محلی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۸/۳۰ م الف ۱۱۰۹۷

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۹/۱۴

هادی عطائی مقدم

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک گنبدکاووس

آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۰۴۰۱۰۰۹۶ مورخ ۱۴۰۲/۸/۱۶ موضوع کلاسه ۱۴۰۱۱۱۴۴۱۲۰۰۴۰۰۰۸۸۸ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گنبدکاووس تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم عبدالاحد دلاور ابنیچه برون فرزند عبدالرحیم به ش.ش ۷۸ ش.م ۲۰۳۱۷۶۲۶۲۱ در شششدانگ یک قطعه زمین احداث بناشده قطعه اول به مساحت ۶۳/۶۷ مترمربع و قطعه دوم به مساحت ۳۵/۹۰ مترمربع جدا شده از پلاک شماره ۵۰۳۹ فرعی از -اصلی واقع در گنبدکاووس بلوار امام زاده کوچه فرخ نیا (کوچه مسجد قبا) قبای پنجم بخش ۱۰ حوزه ثبت ملک گنبد خریداری ملک مع الواسطه از مالک رسمی کردی آقاهمایونی به متقاضی داشته و تصرفات متقاضی نسبت به مورد تقاضا احراز گردیده لذا به منظور اطلاع عموم این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۸/۳۰ م الف ۱۱۰۹۹

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۹/۱۴

هادی عطائی مقدم

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک گنبدکاووس

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

هیات حل اختلاف مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان کهک تصرفات مالکانه مفروزی متقاضیان پرونده های تشکیلی طبق قانون، تعیین تکلیف را بر اساس گزارش کارشناسان و به استناد مدارک موجود در پرونده به شرح آرای ذیل تایید نموده اند.

۱- رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۳۰۰۰۲۰۰۸۸۵۳ پرونده کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۳۰۰۰۲۰۰۰۷۹۹ بنام جواد حکیمی جلیل فرزند اسداله، شششدانگ قطعه زمین که در آن احداث بنا شده به مساحت ۷۸/۵۶ مترمربع در قسمتی از پلاک شماره ۷۶۳ اصلی واقع در بخش حوزه ثبت ملک اداره دو قطعه زمین که در آن احداث بنا شده به مساحت ۷۶۳ مترمربع به پلاک شماره ۲۸۴ فرعی از ۱۵۲ اصلی واقع در بخش پنج حوزه ثبتی کهک روستای میم که برابر مبایعه نامه عادی مع الواسطه از ابوالقاسم حسنی میمی مالک رسمی خریداری نموده است.

که مورد تایید قرار گرفته و از آنجایی که مقرر گردیده پس از نشر آگهی و انقضای مورد مقرر سند مالکیت رسمی صادر گردد با توجه به عدم دسترسی به مالکین مشاعی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی تا چنانچه اشخاص ذینفع اعتراضی داشته باشند ظرف مدت ۲ ماه از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد منطقه دو قم تسلیم و رسید آن را اخذ و ظرف مدت یک ماه پس از تسلیم اعتراض به اداره ثبت به دادگاه مراجعه و دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم و گواهی آن را به این اداره تحویل نمایند لازم به توضیح است که صدور سند بر اساس قانون مذکور مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۸/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۹/۱۴

بهرام سلطانی

رئیس ثبت اسناد و املاک چالدران

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای صادره به شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۳۰۱۴۰۰۰۳۳۴ مورخه ۱۴۰۲/۸/۱۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک چالدران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای ایوب رستم نژاد قسمه ثبت ملک چالدران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای شهرام رستم زاده فرزند قدیر نصیره ش.ش ۸۰۶۴ صادره از آوا جیق دریک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۵۱۸/۱۳ متر مربع پلاک فرعی از ۱۴۱ اصلی واقع در قریه جنگ تپه خریداری از مالک رسمی آقای محرم رستم زاده محرز گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۸/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۹/۱۴

جعفر شکوری - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک کهک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف و وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

هیات حل اختلاف مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک قم تصرفات مالکانه مفروزی متقاضیان پرونده های تشکیلی طبق قانون، تعیین تکلیف را بر اساس گزارش کارشناسان و به استناد مدارک موجود در پرونده به شرح آرای ذیل تایید نموده اند.

۱- رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۳۰۰۰۱۰۰۸۵۴۷ پرونده کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۳۰۰۰۱۰۰۰۴۳۵ معصومه انصاری فرزند یحیی در شششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۴۵/۶۳ مترمربع پلاک شماره ۳۸۸۲/۲ اصلی واقع در قم بخش یک حوزه ثبت ملک اداره یک قم سند مالکیت مشاعی صادره در دفتر ۱۶۲ صفحات ۲۸۰ و ۲۸۱ . (م الف ۱۸۶۵۲)

که مورد تایید قرار گرفته و از آنجایی که مقرر گردیده پس از نشر آگهی و انقضای مورد مقرر سند مالکیت رسمی صادر گردد با توجه به عدم دسترسی به مالکین مشاع